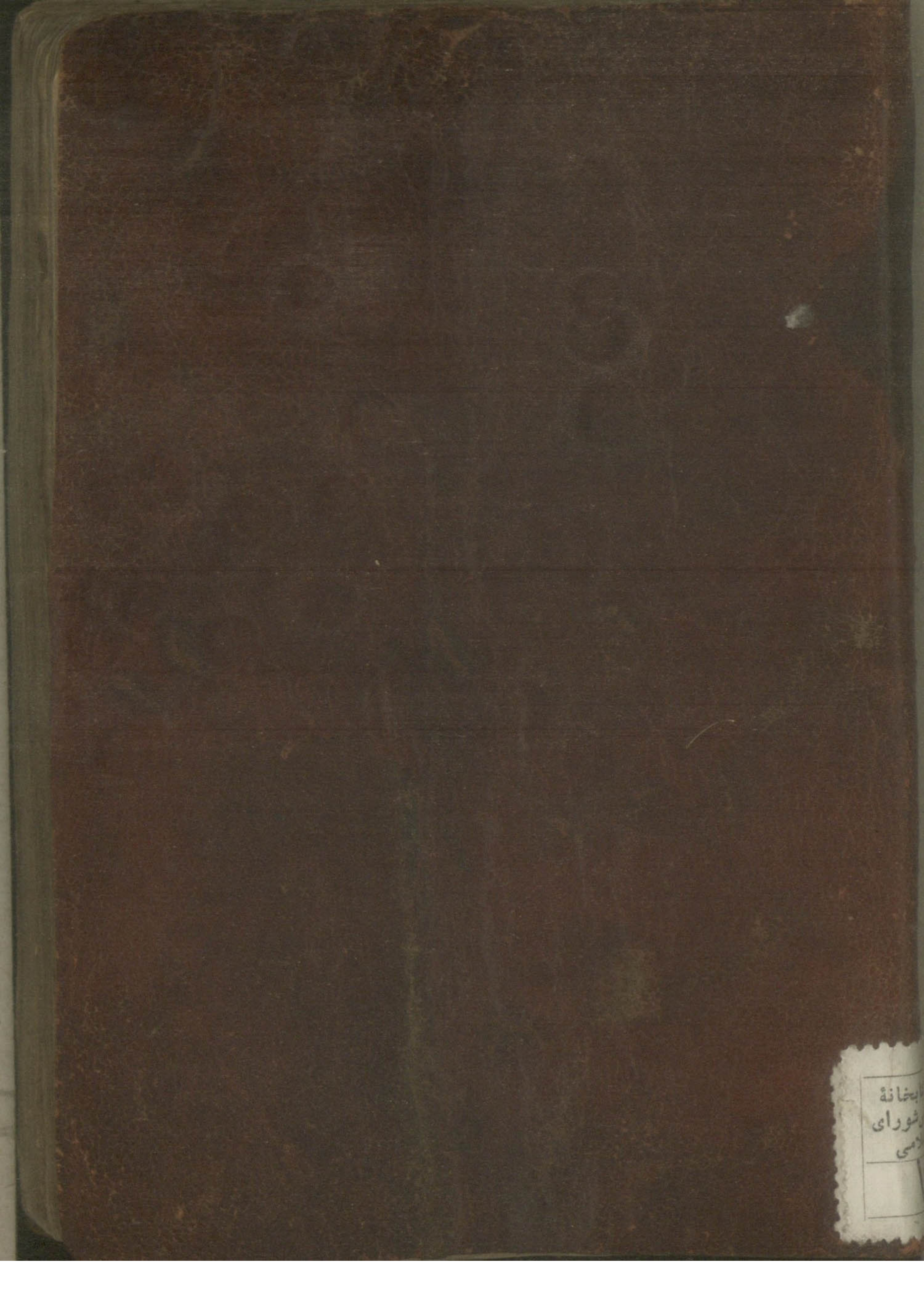
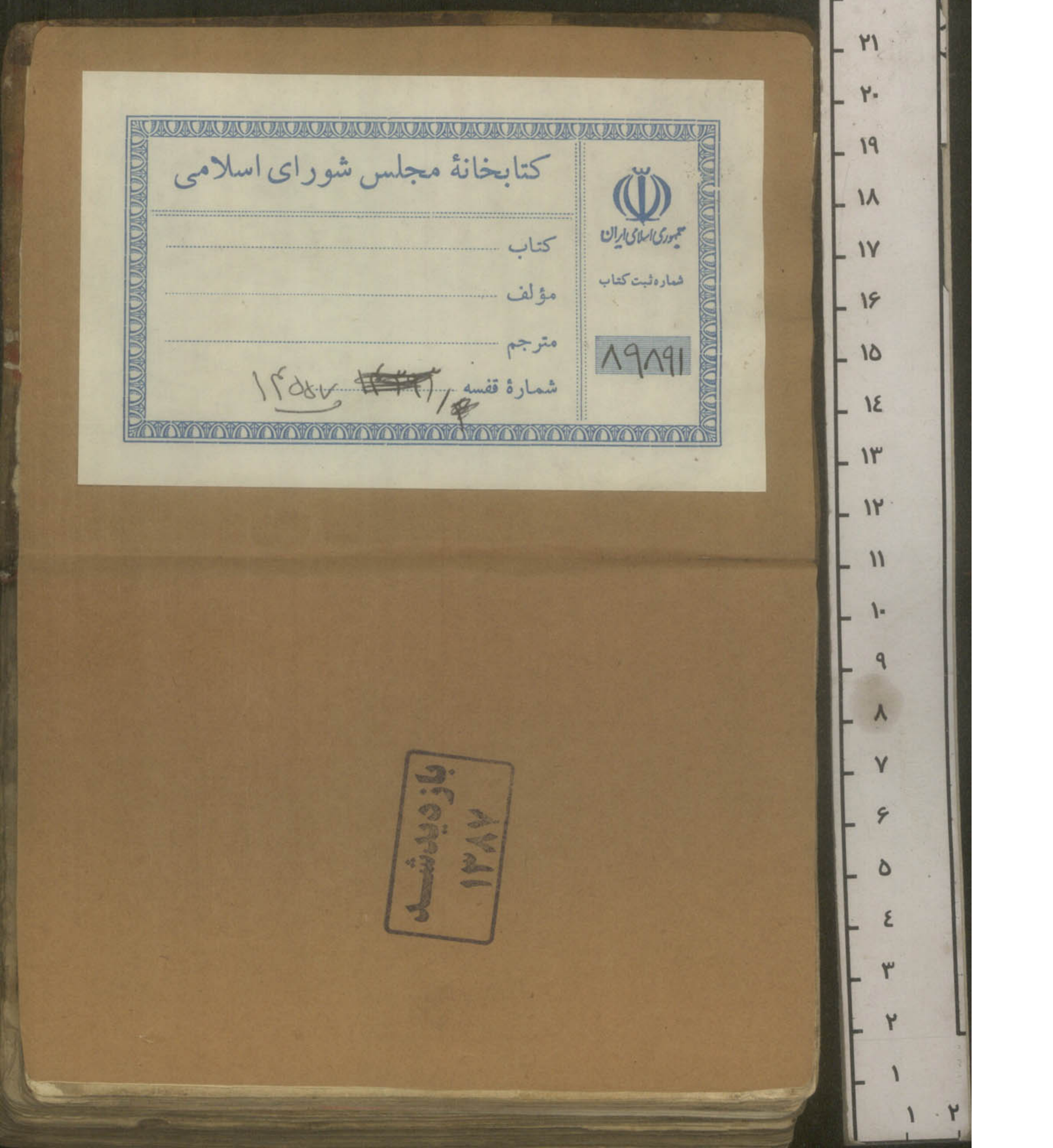
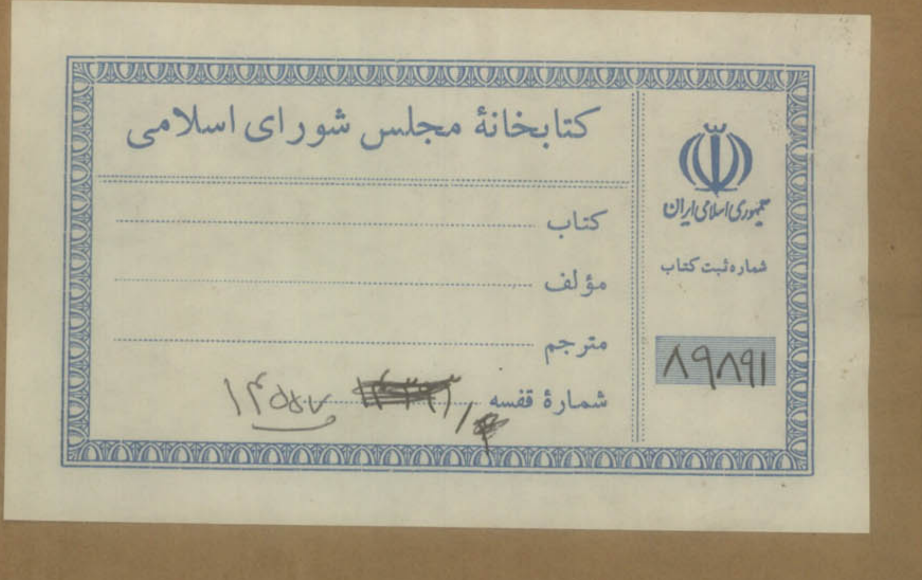

بخانهٔ
شورای
لامی



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۴۵۵۷
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۸۹۸۹۱
بازدید شد
۱۳۸۷





کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

شمارهٔ ثبت کتاب ۸۹۸۹۱

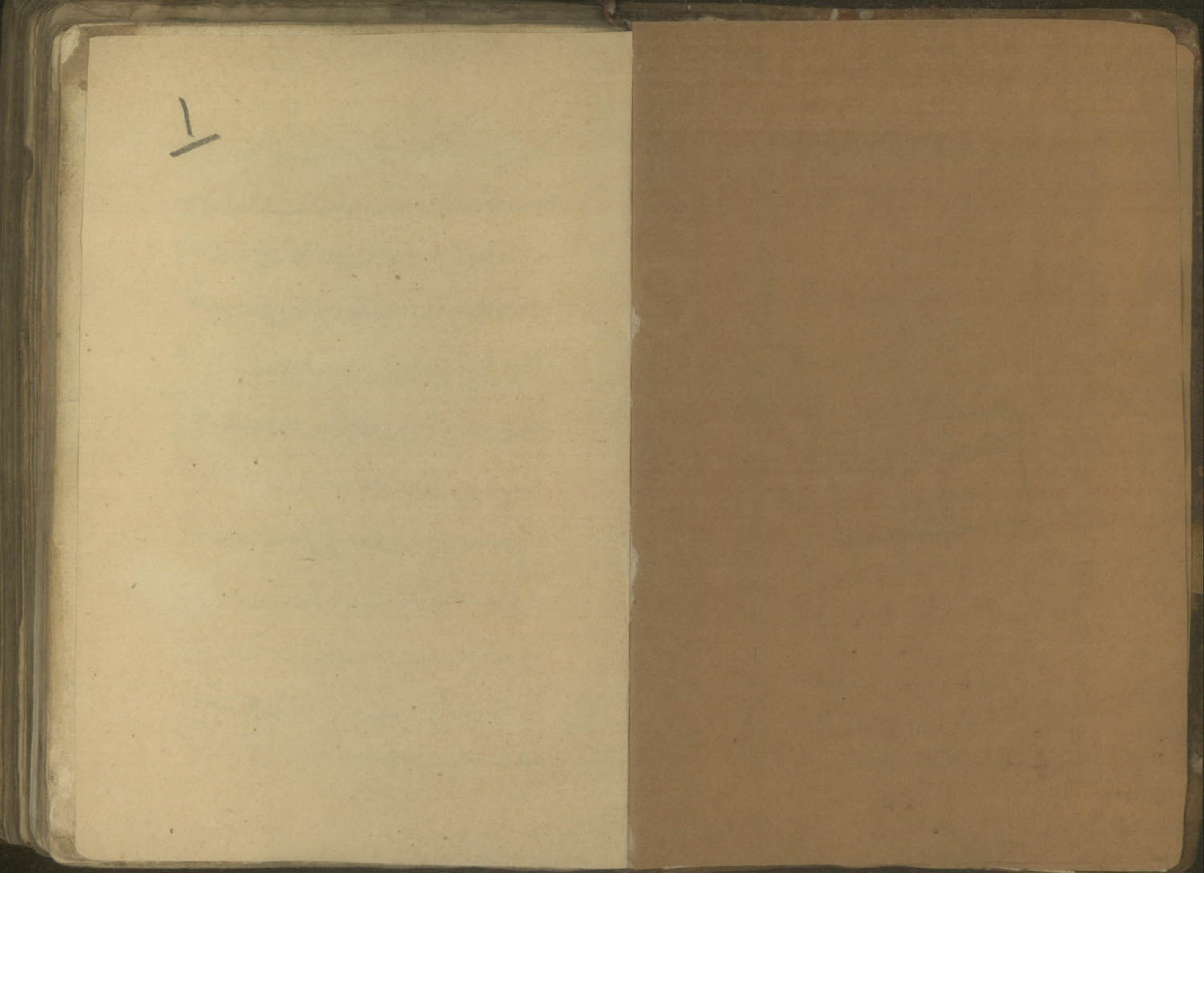
کتاب ....

مؤلف ....

مترجم ....

شمارهٔ قفسه ....

بازدید شد ۱۳۸۷



مناسب است بدانکه علمای مسلمین در وقت تولد آنجناب اختلاف
کرده اند و مشهور میان اهل مکه و مدینه آنست که تولد آنجناب
در دوازدهم شهر ربیع الاول واقع شده و از علمای شیعه ثقة الاسلام
در اصول کافی این قول را اختیار نموده و شیخ طوسی در تهذیب و علامه
در تحریر و شیخ شهید در دروس فرموده اند که ولادت آنحضرت در روز
هفدهم ماه ربیع الاول شده و این مشهور مابین شیعه است دویم
مشرف شدن بخانه خدیجه زوجه جناب رسول خدا صلعم و مادر فاطمه زهرا
و این خانه در همان سمت که موضع تولد جناب رسول خدا صلعم است
واقع است و این نزدیک است ببازار مکه و در آنخانه محرابیست
میگویند موضع عبادت جناب رسول خدا صلعم و آله بوده پس مشرف
آن موضع از جمله بنی راه است مناجاة با قاضی الحاجات در آن
مکان شریف بسیار مناسب است و موضع دیگر است بعضی

میگفتند که موضع تولد حسین است و این غلط محض است
که ولادت سعادت مآب اند و قدوه ارباب سعادت
در مدینه منوره بوده و اما ولادت جناب امام حسین علیه السلام
در سال ۴ از هجرت بوده چنانچه ثقة الاسلام ذکر فرموده
یا در سال سیم هجرت چنانچه شیخ مفید ذکر فرموده و درست
که صحیح این بوده باشد نظر بملاحظه تاریخ تولد آنمعصوم و تاریخ
تولد جناب حضرت امام حسن و اما ولادت جناب امام حسین
در سال سیم هجرت بوده بنابر اول و سال چهارم بنابر ثانی
شاید آنموضع تولد شریف جناب سیدة النساء علیها آلاف
التحیة والثناء بوده چه تولد آنمعصومه در سال پنجم از بعثت فخر عالم
صلی الله علیه و آله و سلم بوده در مکه معظمه و موضع دیگر است که میگفتند
موضع اجابت جناب امیر المومنین علیه السلام است

مجملا شرافت

مجملاً شرافت آنمکان بجهات بسیار واضح است حرمان از سعادت
مشرف شدن آن بسیار حیف است و در همان مکان در فوق
آن مسجدی ساخته اند و در آن مسجد مشرف شدن اتفاقاً نماز
گذاردن مناسب تمام مشرف شدن بزیارت قبر ابوطالب
عم جناب رسول خدا و والد جناب امیر المومنین است و آن
در مقبره واقعست که چند قبر در آن است و در سمت و جانب
منی است و فاتحه خواندن در سر قبر آن جناب مناسب است
و از اخبار ظاهر میشود که آنجناب خدمت بسیار نسبت بجناب
رسول خدا کرده با اخلاص حتی آنکه وارد شده که بعد از فوت
ابوطالب جناب رسول خدا بسیار محزون شد و شکایت
حزن و هم خود را بآنحضرت جبرئیل اظهار فرموده و حکم از جانب
خداوند عالم جل شانه رسید که بیرون رو از قریه که اهل آن

ظالمند و معینی و ناصر آنحضرت بود از فوت ابوطالب و در آن بلد علیا سکنند
و در حدیث صحیح از کاشف اسرار و دقایق جناب حضرت
صادق علیه السلام وارد است که مثل ابوطالب مثل اصحاب کهف است
که در باطن ایمان آورده بودند و اظهار شرک می‌نمودند تقیه
مجملا بزیارت آنجناب مشرف شدن و فاتحه خواندن بر قبر
آنحضرت بسیار مناسب است چهارم زیارت قبر حضرت
خدیجه زوجه حضرت جناب رسول خدا صلعم و مادر فاطمه زهرا
و قبر آن مرحوم در دامنه کوهی واقعست و بقعه دارد و قبر در حجره
ایست در آن بقعه در همان سمتی که قبر جناب ابوطالب است
در آن سمت واقعست لکن قبر جناب خدیجه دورتر است از مکه
معظمه و جناب رسول خدا صلعم احترام او را منظور میداشتند حتی
اینکه نقل کرده‌اند که آن جناب تا خدیجه در حیات بود
تزویج دیگر نفرموده‌اند و بعضی نقل کرده‌اند که فوت حضرت خدیجه

قبل از

قبل از وفات جناب ابوطالب بود بسه روز پنجم مشرف شدن
بغاریست که در جبل حرا واقع است و آن موضعیست که جناب
رسول خدا صلعم در اوایل نزول وحی در آنجا مشغول عبادت بوده‌اند
مناسب است که در آن مکان مشغول مناجات قاضی الحاجات
بشوند ششم آنست که مشرف شوند بغاریکه در جبل ثور واقع است
و آن غاریست که جناب رسول خدا صلعم در آن مختفی شده‌اند
از ترس مشرکین هفتم مشرف شدن به مسجد ارقم است
و خانه که این مسجد در آن واقعست و مشهور است بدار خیزران
و مختفی ماندند که از جمله مستحبات مؤکده ختم قرآن نمودن است
در مکه و در حدیث وارد است که کسیکه ختم قرآن بکند
در مکه نمیرد تا آنکه ببیند منزل خود را در بهشت
پس مناسب آنست که بنشینند نزدیک خانه کعبه یا جای دیگر

یمانی و حجر الاسود زیرا که در حدیث وارد است که مقابر پیغمبر در
آنجا مدفون میباشند و در آنجا مشغول تلاوت شود یا نمازی
حجر الاسود و مقام حضرت ابراهیم یا در حجر حضرت اسمعیل
یا در قرب مستجار و هر یک از این مواضع را که اختیار کند
خوبست و اگر جمع ما بین هم نماید شاید اکمل و اتم باشد
و ایضا ثواب ذکر نمودن و عبادت در آن مکان شریف نمودن
از حد و نهایت افزون است از جناب علی ابن الحسین ع
وارد است یک تسبیح در مکه افضل است از خراج عراقین که انفاق
شود در راه جناب باری عز شانه و از جمله مستحبات اکیده
وداع خانه کعبه است و مستحب است که بنده فقیر هر گاه مدت
عمر یکدفعه با آن مکان شریف مشرف شود حرمان و مفارقت از این
مکان شریف میباید موجب کمال حزن و ملال و تضرع

و ابتهال

و ابتهال وداع نماید چنانچه در حدیث صحیح از جناب صادق آل محمد
صلوات الله علیه و آله وارد شده که در وقتیکه میخواهی از مکه معظمه بیرون
روی پس وداع کنی خانه کعبه و هفت شوط طواف بکنی
با امکان دو دست بر حجر الاسود و رکن یمانی بمال و در هر شوط
بعد از فراغ از طواف برو نزد مستجار و هر دعا که خواسته باشی
بخوان و حوائج خود را بخواه بعد از آن برو نزد حجر الاسود
دو دست بر حجر بمال و یکدست خود بر حجر بگذار و دست
دیگر را بسمت در کعبه بر دیوار خانه بگذار و شکم خود را
به چسبان و حمد و ثنای خداوند عالم بسیار بکن و صلوات بر فخر
کاینات و آل اطهار آنسرور لازم است بعد از آن این دعا را بخوان
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ
وَنَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ

وخيرتك من خلقك اللهم كما بلغ رسالاتك
لاتك وجاهد في سبيلك وصدع بامرك
واوذي في جنبك وعبد لك حتى اتاه
اليقين اللهم اقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي
بافضل ما ينقلب به احد من وفدك
من المغفرة والبركة والرحمة والرضوان
والعافية اللهم ان امتني فاغفر لي
وان احييتني فارزقنيه من قابل اللهم
لا تجعله اخر العهد من بيتك اللهم اني
عبدك ابن عبدك وابن امتك حملتني
على دوابك وسيرتني في بلادك حتى

اقدمتني

اقدمتني
اقدمتني حرمك وامنك وقد كان في
حسن ظني بك ان تغفر لي ذنوبي فان
كنت غفرت لي ذنوبي فازدد عني
رضا وقربني اليك زلفى ولا تباعدني
وان كنت لم تغفر لي فمن الان فاغفر لي
قبل ان تنأى عن بيتك داري فهذا
اوان انصرافي ان كنت قد اذنت لي
غير راغب عنك ولا مستبدل بك
ولا به اللهم احفظني من بين يدي
ومن خلفي وعن شمالي حتى تبلغني اهلي وعن يميني

فاذا بلغتنی اهلی فاکفنی مؤونة عبادك و
عیالی فانك ولیّ ذالك من خلقك ومنّی
الوقت بردن نزد چاه زمزم و از آب آن بخورد و بعد از آن بیرون
برود و در حدیث دیگر وارد است که از باب حناطین بیرون
رود و باب حناطین در لیست و در مقابل رکن شامی و این
در تغییر یافته بسبب اکثر فکردن در مسجد الحرام بنابر این اگر در
مقابل رکن شامی رود تا قصد مسجد بعد از آن از هر در که خواهد
بیرون رود ظاهر اینست که استحباب بر اجمل آورده باشد و معصل جهان
مدینه مشرفه است و در آن چند مستحب است اول آنکه سنت است
در حق فاطبه ناس استحبابا الاضافه الحاج مشرف شدن بزیارت
روضه مطهره و آستانه منوره فخر عالمیان و سید المرسلین صلی الله علیه و آله که بر حسب
از جناب مخبر صادق عز و جل نیکه جناب رسول خدا فرمود

بقصد حج بمکه مشرف شود و بزیارت من در مدینه مشرف نشود او را
در روز قیامت جفا خواهم نمود و کسیکه بزیارت من آمد واجب
میشود بر من شفاعت او و کسیکه واجب شد در حق او شفاعت
من واجب است برای او بهشت اولی آنست که اول بمکه مشرف شود
و بعد بمدینه چنانچه در حدیث صحیح از جناب ابی جعفر ظاهر است
که مراد امام محمد نقی است حضرت سؤال نمود که ابتدا کنم بمدینه یا بمکه فرمودند
که ابتدا کن بمکه و ختم کن بمدینه که آن افضل است دوم آنکه سنت است
غسل بجهة دخول در مدینه خواه متصل بدخول بجهة باشد یا قبل از آن
سوم چنانچه غسل سنت است بجهة دخول در مسجد النبی و زیارت
آنسرور و اگر در حین غسل اول نیت هر سه غسل نماید ان شاء الله
مجزی خواهد بود و بعضی از اعاظم علما فرموده اند که داخل مسجد رسول
خدا صلی الله علیه و آله شود از در حضرت جبرئیل و آن در لیست که

که از جانب بقیع مفهوم ملتو و بخدمت جناب حضرت امام رضا عرض
کردند از کیفیت سلام بر جناب رسول خدا ص نزد قبر
مقدس آنحضرت فرمود که بگو اَلسَّلامُ عَلیٰ رَسُولِ اللّٰهِ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا حَبِیبَ اللّٰهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا صَفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا
اَمِینَ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِکَ
وَجَاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَهُ حَتّٰی
اَتٰیکَ الْیَقِینُ فَجَزَاکَ اللّٰهُ اَفْضَلَ مَا جَزٰی
نَبِیًّا عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا جَزٰی ~~نَبِیًّا عَنْ~~ اُمَّتِهِ
صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیمَ وَآلِ اِبْرٰهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ

مَجِیدٌ و مستحب است که رو بقبله نموده و منکب ایسر را بجانب قبر
مقدس جناب رسول خدا ص و منکب ایمن را بجانب منبر پر نور
نموده بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
وَاَشْهَدُ اَنَّکَ رَسُولُ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ
مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ
رِسَالَاتِ رَبِّکَ وَنَصَحْتَ لِاُمَّتِکَ وَجَا
هَدْتَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ حَتّٰی
اَتٰیکَ الْیَقِینُ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَاَدَّیْتَ الَّذِی عَلَیْکَ مِنَ الْحَقِّ وَاَنَّکَ
قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِینَ وَغَلُظْتَ عَلَی الْکَا

فبلغ الله بك افضل الشرف بك محل المكرمين
الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك
والضلالة اللهم فاجعل صلواتك و
صلوات ملائكتك المقربين وعبادك
الصالحين وانبيائك المرسلين واهل
السموات والارضين ومن سبح لك يا رب
العالمين من الاولين والاخرين على محمد
عبدك ورسولك ونبيك وامينك
ونجيك وحبيبك وصفيك وخاصتك
وصفوتك وخيرتك من خلقك اللهم
اعطه الدرجة والوسيلة

في الجنة وابعثه مقاما محمودا يغبطه به
الاولون والاخرون اللهم انك قلت ولو
انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله
واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
رحيما واني اتيت نبيك مستغفرا تائبا
من ذنوبي واني اتوجه اليك بنبيك نبي
الرحمة محمد صلى الله عليه وآله يا محمد اني اتوجه
بك الى الله ربي وربك ليغفر لي ذنوبي
بعد از آن دو ركعت نماز زيارت بكند و حوائج خود را از درگاه
خداوند عالم مسئلت نمايد و چونكه در زيارات مأثوره لنبي
الفخر كائنات صلعم زيارت بليغ بنظر اين قاصر الكلاه در سفر

مکه معظمه زادها الله شرفا و عزا نرسیده نظر بعدم اجتماع کتب در این
سفر خود اثر زیارتی تالیف نمود که غالب آن ماخوذ از زیارت
جامعه است که احسن و اکمل زیارات است بتغییر بعضی از فقرات
که مقام مقتضی آنست و غالب اوقات آن سرور عالم را باین
نحو زیارت مینمودم مناسب و لایق است که در این مقام ثبت نماید
تا دیگران نیز باین نحو بسعادت عظمی فایز شوند شاید این مقصر
درگاه اله را از دعا و زیارت فراموش ننمایند پس در روضه منوره که مقابل
صندوق مقدس سید انبیاء صلی الله علیه و آله مایستی بگو السلام علیک یا رسول الله
السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا
خیرة الله السلام علیک یا صفوة الله السلام
علیک یا امین الله السلام علیک یا نور
عرش الله و مصباح دینه السلام علیک
یا

یا سید انبیاء الله و فخر رسله السلام علیک
یا ضیاء الدجی و علم الهدی السلام علیک
یا عماد الاتقیاء و آیة الله العظمی السلام علیک
یا زین الموحدین النجباء السلام علیک یا من
خصه الله بحبل الحباء السلام علیک یا
کهف الوری و حجة الله علی اهل الدنیا
و الآخرة و الاولی السلام علیک یا عماد
المکونین و عصمة المؤمنین السلام علیک
یا امان الخائفین و قدوة المتقین
و رحمة الله و برکاته اشهد ان لا اله

الا الله وحده لا شريك له كما شهد الله
لنفسه وشهدت له ملائكته واولو العلم
من خلقه لا اله الا هو العزيز الحكيم واشهد
انك يا رسول الله عبده المنتجب ورسوله
المرتضى ووليه المصطفى وانك مهبط الوحي
ومعدن الرحمة ومختلف الملائكة ارسلك
الله تعالى بالهدى ودين الحق ليظهره
على الدين كله ولو كره المشركون واشهد
انك المطيع لله القائم بكرامته العامل
بارادته اصطفاك الله بعلمه وانتجبك
لسره واجتباك لدينه واعزك بهداه

وخصك ببرهانه وانتجبك لنوره و
ايدك بروحه وجعلك حجة على بريته
وناصر الدينه وحافظا لسره وخازنا
لعلمه ومستودعا لحكمته وركنا لتو
حيده وعلما للعباد ومنارا في بلاده
ودليلا على صراطه عصمك الله يا سيدنا
يا رسول الله من الزلل وامنك من الفتن
وطهرك من الدنس واذهب عنك
الرجس وطهرك تطهيرا بابي انت
وامي ونفسي واهلي ومالي اشهد

انك يا رسول الله قد امرت بالمعروف
ونهيت عن المنكر وجاهدت في الله حق
جهاده وبذلت نفسك في مرضاته
وصبرت على ما اصابك في جنبه ودعوت
الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة حتى
اعلنت دعوته وبينت فرائضه واقمت
حدوده ونشرت شرائع احكامه وسننت
سنته فعظمت جلاله وكبرت شانه و
مجدت كرمه واحكمت عقد طاعته و
نصحت له في السر والعلانية وادمت
ذكره واكدت ميثاقه وانك السبيل

الاعظم والصراط الاقوم والشاهد
في دار الفناء والشفيع في دار البقاء و
الرحمة الموصولة والاية المخزونة والامانة
المحفوظة والباب المبتلى به الناس من
اتاك يا رسول الله فقد نجى ومن لم ياتك
فقد هلك سعد والله من والاك
وهلك من عاداك وخاب من جحدك
وضل من فارقك وفاز من تمسك
بك وامن من لجا اليك وسلم من
صدقك وهدي من اعتصم بك

من اتبعك يا رسول الله فالجنة مأواه
ومن خالفك فالنار مثواه ومن جحدك
كافر ومن حاربك مشرك ومن رد
عليك فهو في أسفل درك من الجحيم فا
لراغب عنك مارق واللازم لك لاحق
والمقصر في حقك زاهق والحق معك
وفيك ومنك وإليك وأنت أهله ومعدنه
ومأواه ومنتهاه وعلوم الأنبياء
عندك وإياب الخلق إليك وحسابهم
عليك وفصل الخطاب عندك وآيات الله
لديك ونوره وبرهانه عندك وأمره

اليك

إليك بأبي أنت وأمي ونفسي وأهلي ومالي
من أراد الله يا رسول الله بدأ بك ومن
وحّده قبل عنك ومن قصده توجه بك
مولاي لا أحصي ثناءك ولا أبلغ من المدح
كنهك ومن الوصف قدرك إذ بلغ الله
بك أشرف محل المكرمين وأعلى منازل
المقربين وأسنى مدارج المعظمين وأرفع
درجات المرسلين حيث لا يفوقه فائق
ولا يلحقه لاحق ولا يطمع في إدراكه
طامع حتى لا يبقى مؤمن صالح ولا فاجر

طالح ولا صدّيق شهيد ولا خلق فيما بين
ذلك شهيد ولا ملك مقرّب ولا نبيّ
مرسل إلّا عرّفهم جلالة أمرك وعظم
خطرك وكبر شأنك وتمام نورك و
ثبات مقامك وشرف محلّك ومنزلتك
عنده وكرامتك عليه وخاصّتك لديه
وقرب منزلتك منه بأبي أنت وأمّي
ونفسي وأهلي ومالي أشهد الله وأشهدك
أنّي مؤمن بك وبما آمنت به كافر بعدوّك
وبما كفرت به مستبصر بشأنك وبضلالة
من خالفك موالٍ لك ولأوليائك

مبغض

مبغض لأعدائك ومعادٍ لهم محقّق لما
حقّقت مبطل لما أبطلت مطيع لك عارف
بحقّك مقرّ بفضلك محتجب بذمّتك
معترف بك آخذ بقولك عامل بأمرك
مستجير بك زائر لك عائذ ببابك لائذ
بقبرك مستشفع إلى الله عزّ وجلّ بك
ومتقرّب بك إليه ومقدّمك أمام طلبتي
وحوائجي وإرادتي في كلّ أحوالي
وأموري فاشفع لي عند الله ليثبّتني ما ليثبّتني
حييت أبداً على موالاتك ومحبّتك

ووفقني لطاعتك ورزقني شفاعتك
وجعلني من جيرانه مع آلك التابعين لما
دعوت اليه وجعلني ممن يقتص آثارك
ويسلك سبيلك ويهتدي بهداك
ويحشر في زمرتك فانك نور الاخيار
وهادي الابرار وحجة الجبار بك
فتح الله وبك يختم وبك ينزل الغيث
وبك يمسك السماء ان تقع على الارض الا
باذنه وبك ينفس الهم وبك يكشف الضر
والغم وعندك ما نزلت به رسله و
هبطت به ملائكته واليك يا رسول الله

بوزارة

بعث الروح الامين آتاك الله ما لم يؤت
احدا من العالمين طأطأ كل شريف
لشرفك وبخع كل متكبر لطاعتك وخضع
كل جبار لفضلك وذل كل شيء لك
واشرقت الارض بنورك وفاز الفائزين
بولايتك بك يسلك الى الرضوان وعلى
من جحد نبوتك غضب الرحمن بابي
انت وامي ونفسي واهلي ومالي كيف
اصف حسن ثنائك واحصي جميل بلائك
بك اخرجنا الله من الذل وفرج عنا

غمرات الكروب وانقذنا بك من شفا
جرف الهلكات ومن النار يا نبي الله
ويا زين عرش الله ان لي الى الله تعالى
حوائج مهمة لا ارجو الفوز بها الا بشفاعتك
فبحق من ائتمنك على سره واسترعاك
امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته اشفع لي
عند الله تعالى في قضائها فان لك عند الله
المقام المحمود والجاه الوجيه والشأن الكبير
والشفاعة المقبولة اللهم اني لو وجدت
شفعاء اقرب اليك من محمد واهل بيته
الاطهار وصحبه الاخيار لجعلتهم

شفعائي

شفعائي اليك فبحقهم الذي اوجبت
لهم عليك اسئلك ان تدخلني في جملة
العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة المرحومين
بشفاعتهم انك ارحم الراحمين وصلى الله
على محمد واهل بيته الطيبين وصحبه الاخيار
المنتجبين وسلم تسليما كثيرا كثيرا اگر توانی آن
فخر عالم را ببوسد به این نحو زیارت نماید که بسیار فضیلت
اگرچه از دور خوانده باشد و سنت است که بسیار نماز در آن مسجد
نماید خصوصا در روضه که عبارت از ما بین منبر و قبر شریف
آن سرور است در طول و اما در عرض بعضی گفته اند از طرف
تا چهار ستون متوالی از مسجد و در حدیث معتبر بلکه صحیح وارد است

که چون از دعا نزد قبر شریف آن حضرت فارغ شود
برود نزد منبر پس دست بر آن جای دو رمّانه بالای منبر بود
بگیرد چشمها و روی خود را بر آن جای که باعث شفای چشم
میشود و حمد و ثنای الهی را نزد منبر بجا بیارد و حاجتهای خود را از
درگاه با رفعت خداوند عالم مسئلت نماید توضیح مطلب
مقتضی اینست که گفته شود که چون در دو طرف منبر اول
چهار دانه انار از برنج قرار داده اند دو در فوق و دو در تحت
و مراد از این حدیث دو عدد تحتانی است مخفی نماند این
منبر حالی که موجود است در مسجد شریف آن سرور عالم ظاهر است
که منبر موجود در عصر شریف آنجناب نیست لکن ظاهر از شیخ
شهید در کتاب دروس آنست که استحباب امور مذکوره در
اینجا نیز ثابت است صحیح هم در زیارت سیدالشهداست

علیه السلام

نَبِیِّکَ صَلوٰةً تُوصِلُهَا فَوقَ زُلفیٰ عِبادِکَ المُکَرَّمینَ
مِنَ اَهلِ السَّمٰواتِ وَالاَرَضینَ پس هر حاجت که دارد
بخواهد که الحمد سنّت است که در مقام حضرت ابراهیم جبرئیل که تحت
ناودان است اینرا بخواند اَی جَوادُ اَی کَریمُ اَی
قَریبُ اَی بَعیدُ اَسئَلُکَ اَن تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ
اَهلِ بَیتِهِ وَاَن تَرُدَّ عَلَیَّ نِعمَتَکَ
در بیان زیارت ائمه بقیع علیهم السلام است یعنی جناب امام حسن و
امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام بقعه
الاسلام است در کتاب تحفه ذکر فرموده هرگاه اراده زیارت ائمه در بقیع نمائی
بزرگوار رسیدی قبر را ببوس رو بقبر ایستاده بگو اَلسَّلامُ عَلَیکُم
اَئِمَّةَ الهُدیٰ اَلسَّلامُ عَلَیکُم اَهلَ التَّقویٰ

السلام عليكم ايها الحجة على اهل الدنيا السلام عليكم ايها
القوام في البرية بالقسط السلام عليكم اهل الصفوة السلام
عليكم اهل النجوى السلام عليكم اشهد انكم
قد بلغتم ونصحتم وصبرتم في ذات الله
وكذبتم واسيء اليكم فغفرتم واشهد
انكم الائمة الراشدون المهديون
وان طاعتكم مفروضة وان قولكم الصدق
وانكم دعوتم فلم تجابوا وامرتم فلم تطاعوا
وانكم دعائم الدين واركان الارض لم
تزالوا بعين الله ينسخكم في اصلاب كل
مطهر وينقلكم من ارحام المطهرات لم

الجهلاء

تدنسكم الجاهلية الجهلاء ولم تشرك فيكم فتن
الاهواء طبتم وطاب منبتكم منّ بكم علينا
ديان الدين فجعلكم في بيوت اذن الله
ان ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا
عليكم رحمة لنا وكفارة لذنوبنا اذ اختاركم
لنا وطيب خلقنا بما منّ به علينا من ولايتكم
وكنا عنده مسلمين بفضلكم معترفين بتصديقنا
اياكم وهذا مقام من اسرف واخطأ
واستكان واقر بما جنى ورجى بمقامه
الخلاص وان يستنقذه بكم مستنقذ
الهلكى من الردى فكونوا لي شفعاء
فقد وفدت اليكم اذ رغب عنكم اهل الدنيا

وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللهِ هُزُواً وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا
يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو
وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ
عَرَّفْتَنِي بِمَا أَئْتَمَنْتَنِي عَلَيْهِمْ إِذْ صَدَّ عَنْهُمْ
عِبَادُكَ وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُمْ وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِمْ
وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُمْ فَكَانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ
مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ فَلَكَ
الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي مَذْكُوراً
مَكْتُوباً وَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي
فِيمَا دَعَوْتُ بعد از آن بر دعا که خواهی بکن و از جمله زیارات
جامعه که در جمیع روضات متبرکه میتوانی تلاوت کرد این است
السَّلَامُ عَلَى أَصْفِيَائِهِ السَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللهِ

واحبائه

وَأَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللهِ وَخُلَفَائِهِ
السَّلَامُ عَلَى مَحَلِّ مَعْرِفَةِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى
مَسَاكِنِ ذِكْرِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى مَظَاهِرِ
أَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ
إِلَى اللهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقِرِّينَ فِي مَرْ
ضَاةِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَا
عَةِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَدِلَّاءِ عَلَى اللهِ السَّلَامُ
عَلَى الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللهَ
وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللهَ وَمَنْ عَرَفَهُمْ
فَقَدْ عَرَفَ اللهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللهَ
وَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ

ومن تخلّى منهم فقد تخلّى من الله اشهد
انّي سلم لمن سالمكم وحرب لمن
حاربكم مؤمن بسرّكم وعلانيتكم
مفوّض في ذلك كلّه اليكم لعن الله
عدوّ آل محمد من الجنّ والانس و
ابرء الى الله منهم وصلّى على محمد وآله

و بهترین زیارات در هر یک از اماکن متبرکه و روضات
مطهره هر یک از ائمه علیهم السلام زیارت جامعه کبیره است
که کاملترین زیاراتست و صحیح‌تر در میان زیارات ائمه است
که در آن خطاب شریف بانجناب می‌شود و بعد از وداع از زیارت
ائمه بقیع مناسب است که زیارت نمایند قبر ابراهیم
فرزند رسول خدا در بقیع و همچنین قبر عبد الله ابن جعفر
و فاطمه

و فاطمه بنت اسد و قبور سایر صحابه و تابعین که در آن مکان
شریف مدفون می‌باشند بعد از آن برود بجانب احد و زیارت نماید
جناب حمزه و سایر شهداء احد و در زیارت حمزه چنین بگوید
السلام علیک یا عمّ رسول الله و خیر الشهداء السلام
علیک یا اسد الله و اسد رسول الله اشهد انّک
قد جاهدت في الله و نصحت لرسول الله و جدت
بنفسک و طلبت ما عند الله و رغبت فیما عند الله
بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد و ثواب ان را چه بسیار با آنحضرت و شیخ طوسی
در کتاب کامل الزیارات ذکر نموده که بعد از فراغ از نماز خود را بیندازد
بر قبر آنحضرت و بگوید اللهم انّي تعرّضت لرحمتک بلزومي لقبر
عمّ نبیّک صلّى الله علیه و على اهل بیته لتجیرني من
نقمتک و سخطک و من الاذلال في یوم

تكثر فيه العثرات والأصوات وتشتغل كل نفس
بما قدمت وتجادل كل نفس عن نفسها فان ترحمني
اليوم فلا خوف علي ولا حزن وان تعاقب
فمولاي لك القدرة علي اللهم فلا تخيبني اليوم
ولا تصرفني بغير حاجتي فقد لذت بقبر عم نبيك
وتقربت به اليك ابتغاء مرضاتك ورجاء رحمتك
فتقبل مني وعد بحلمك على جهلي وبرأفتك على
جناية نفسي فقد عظم جرمي وما اخاف ان تظلمني
ولكن اخاف سوء الحساب فانظر اليوم الى تقلبي
على قبر عم نبيك صلى الله عليه وآله فبهم فكني و فيهم تقلبي
لا تخيب سعيي ولا يهون عليك ابتهالي
ولا تحجب منك صوتي ولا تقلبني بغير حوائجي
يا غياث

يا غياث كل مكروب ومحزون يا مفرج عن الملهوف الحيران الغريب الغريق المشرف على
الهلكة صل على محمد واهل بيته وانظر الي نظرة
لا اشقى بعدها ابدا وارحم تضرعي وعبرتي
وانفرادي فقد رجوت رضاك وتحريت و تحريت
الخير الذي لا يعطيه احد سواك ولا ترد اصح
ثم قبلها و در زیارت سایر شهدای احد چنین وارد شده
که بعد از آنکه نزد قبور ایشان رسیدی در آنجا بایستی و بگو
السلام علیکم یا اهل الدیار انتم لنا فرط
وانا بکم لاحقون و اگر توانی در آنجا سوره انا انزلناه
تلاوت نما و ثواب آن را هدیه کن بارواح شریفه ایشان
که مناسبت و در کتاب ... روایت شده بسند صحیح که جناب رسول الله

وملائکه میرسیدند بقبور سلام میفرمودند السّلام علیکم بما صبرتم
فنعم عقبی الدّار و بدانکه اماکن متبرکه چند است در مدینه
که اتیان آنها بجهة عبادت و زیارت در آنها مطلوب است اوّل مسجد
قبا است که مشهور است بمسجد ذو القبلتین دویم مسجد
فضیخ است و در حدیث معتبر وارد شده است در وجه
تسمیه این مسجد حضرت امام جعفر صادق ع عرض کردند که بچه سبب
این مسجد را فضیخ مینامند فرمودند چونکه نخلیکه در آن
هست مسمی بفضیخ است باین سبب این مسجد را فضیخ
مینامند و در این مسجد رد شمس شده تا جناب امیر المؤمنین ع
نماز نمود در آن وقت دو رکعت نماید سیم مشربه ام ابراهیم است
یعنی غرفه مادر ابراهیم فرزند رسول خدا ص بود و در روایتی
وارد شده است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق

عرض کردند

عرض کردند که ما میرویم بمساجدیکه در اطراف مدینه است بکدام
یک ابتدا نمائیم جواب فرمودند که ابتدا کنی بمسجد قبا پس نماز
بسیار بکنی در آن مسجد بعد از آن برو بمشربه ام ابراهیم
و نماز بکنی در آن که آن مسکن جناب رسول خدا ص و مصلای آن
جناب بود بعد از آن برو بمسجد فضیخ پس دو رکعت نماز در آن
مسجد بکنی بدانکه مسجد قبا مسجدیست در قبا و آن اول مسجدیست که جناب
رسول خدا ص در آن نماز کردند بعد از هجرت از مکه معظمه و مراد بمسجد
که در سوره براة مذکور است فرموده لمسجد اسّس علی التقوی
من اول یوم احقّ ان تقوم فیه همین مسجد است و این
مسجد معروفست و اهل قبا غائب نشده اند و مسجد فضیخ ظاهرا بسبب
در جنوب واقع است با جانب قبا و نحو آن و مسجد غیر معروفست
و در آن مسجد که منبر قدیم ملکیت دارد در انجا بعد و نظر مشغول

درسی و مشق بود و اما منبر به آن ابراهیم و در این زمان معروف
نیست حقیر با جمعی از حاج که همراه بودند سعی بسیار کردیم تا بمیدان
نخلستانی بود و مسجد خرابه رسیدیم بعضی از اهالی آنجا
گفتند که این مسجد ابراهیم است در هر حال مسجد
نماز کردیم چهارم مسجد احزاب است که در سمت
دیگر مدینه واقع است و مسجد فتح نیز میگویند
و در این مسجد سنت است که این دعا بخوانند یا
صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ
الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ هَمِّي وَغَمِّي
وَكَرْبِي كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ
وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ
فِي هَذَا الْمَكَانِ و هو مکانی که حضرت اعلی سجده شکر کرده

یا الستون است بسمت منبر حضرت نماید و در شب جمعه نماز
سنت است نزد ستونیکه محاذی محراب آن حضرت است
و اگر ممکن باشد که کسی اعتکاف نماید و در این سه روز و سه
شب در روز اول نزد ستون ابو لبابه و در ثانی نزد ستونی که
پیا دو است در جانب منبر و یا نزد ستونیکه محاذی محراب است
و در سیم مذکور شد و در مقامات بسیار مناسب است
در بیان وداع است در حدیث معتبر وارد شده است و در دیگر
میخواهد از مدینه بیرون رود غسل بکنی و بعد از آن متوجه
بقبر جناب رسول خدا صلی الله علیه بعد از زیارت الشرح در عالم و طلب خیر کن
خود از خلاق عالم جل شانه در مقام وداع آنحضرت
اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ
قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَالِكَ

فَإنّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلى مَا أَشْهَدُ
عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ
وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللهُ
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ وَلا جَعَلَهُ اللهُ
آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ — در مقام وداع ائمه

بعد عبد السلام این زیارت بگوید السلام علیکم سلام

مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قَالٍ وَرَحْمَةُ اللهِ
وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ
سَلامَ وَلِيٍّ غَيْرِ رَاغِبٍ عَنْكُمْ وَلا مُسْتَبْدِلٍ
بِكُمْ وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ غَيْرَكُمْ وَلا مُنْحَرِفٍ
وَلا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ وَلا جَعَلَنِي اللهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ وَإِتْيَانِ
بِكُمْ وَغَفَرَ ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ وَآمَالُكُمْ فِي

بِحُبِّكُمْ وَأَعْلَى كَعْبِي بِمُوَالاتِكُمْ وَشَرَّفَنِي بِطَاعَتِكُمْ
وَأَعَزَّنِي بِهُدَاكُمْ وَجَعَلَنِي مِمَّنِ انْقَلَبَ مُفْلِحاً
مُنْجِحاً غَانِماً سَالِماً مُعَافاً غَنِيّاً فَائِزاً بِرِضْوَانِ اللهِ
وَفَضْلِهِ وَكِفَايَتِهِ بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ
مِنْ زُوَّارِكُمْ وَمَوَالِيكُمْ وَمُحِبِّيكُمْ وَشِيعَتِكُمْ وَرَزَقَنِي اللهُ
الْعَوْدَ أَبَداً مَا أَبْقَانِي رَبِّي بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ
وَإِيمَانٍ وَتَقْوَى وَإِخْبَاتٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلالٍ
طَيِّبٍ اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ
وَذِكْرِهِمْ وَالصَّلاةِ عَلَيْهِمْ وَأَوْجِبْ لِيَ الْمَغْفِرَةَ
وَالرَّحْمَةَ وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَةَ وَالْفَوْزَ وَالنُّورَ
وَالْإِيمَانَ وَحُسْنَ الْإِجَابَةِ كَمَا أَوْجَبْتَ

لأوليائك العارفين بحقهم الموجبين
لطاعتهم الراغبين في زيارتهم المتقربين الى الله
واليهم بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي
اجعلوني في همكم وصيروني في حزبكم و
ادخلوني في شفاعتكم واذكروني عند
ربكم اللهم صل على محمد وآل محمد وابلغ ار
واحهم واجسادهم مني السلام على والسلام
عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته وصلى الله
على سيدنا محمد وآله وسلم تسليما كثيرا وحسبنا
الله ونعم الوكيل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله

الحمد لله که در بیان آداب احرام عمره تمتع در چند منزلی وادی عقیق
از دین مقصر درگاه باری جل شانه تقی باقر الموسوی مرقوم گردیده
و در این غایت احتیاط منظور شده بدانکه بعد از وصول باحد
مواقیت لازم است بر اشخاصی که اراده احرام دارند نیت
عمره تمتع نمایند مراد بعمره تمتع احرام و طواف بیت الله و دو رکعت
نماز طواف و سعی بین الصفا والمروه والتقصیر یعنی موی یا ناخن از
بدن جدا نمودن است و چونکه عمره تمتع مرتبط است بحج تمتع مرتبط است
لهذا مناسب اینست در عمره تمتع التفات بحج نیز نمایند
پس نیت چنین نماید که من ایشان بعمره تمتع که معتبر است
در حج تمتع بجهة امتثال امر خداوند جل شانه مینمایم قربة الی الله تعالی
و همچنین بعد از فراغ از عمره تمتع ایشان بحج تمتع خواهم نمود
قربة الی الله تعالی و اگر نیابت بغیر نماید که ایشان باحرام و طواف

کعبه و دو رکعت نماز طواف و سعی و تقصیر و احرام حج و وقوف در عرفات و وقوف
در مشعر الحرام و رمی جمرهٔ عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر و طواف حج
و دو رکعت نماز طواف و سعی بین الصفا والمروه و طواف نساء و دو
رکعت نماز طواف آن و بیتوته در منی در شب یازدهم و دوازدهم
و رمی جمرات ثلثه در روز یازدهم و دوازدهم میکنم قربةً الی الله تعالی
و بعد از این نیت سنت است که تلفظ باین کلام نماید اللّهمّ
اِنّی اُرِیدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَی الْحَجِّ عَلی کِتابِکَ
وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ فَاِنْ عَرَضَ لِی شَیْءٌ
یَحْبِسُنِی فَحُلَّنِی حَیْثُ حَبَسْتَنِی بعد از آن شروع نماید
بمقدمات احرام مثل تطهیر بدن از غبار و چرک و شارب و ناخن
گرفتن و نوره کشیدن بدن و بعد از آن غسل احرام نماید
و نیت غسل باین نحو نماید که غسل احرام میکنم قربةً الی الله تعالی

وقبل

و قبل از غسل وضو باز و بعد از آن غسل نماید و قبل از غسل و بعد دو جامهٔ
احرام بپوشد یکی را مثل لنگ و دیگری را مثل ردا بر گردن اندازد و هر گاه
هر طرف آنرا از زیر بغل برآورده بر گردن دیگر اندازد و اهم خولست
و در وقت اراده پوشیدن دو جامه باین نحو نیت نماید که می پوشم دو جامهٔ
احرام ملبوسم واجب قربةً الی الله تعالی و بعد از آن شش رکعت نماز احرام
طواف سنت است و هر دو رکعت بیک سلام و اگر اختصار بدو رکعت
نماید عیب ندارد و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون
و در رکعت ثانی قل هو الله احد بخواند و بعد از آن نیت احرام نماید باین
نحو که می محرم میشوم در عمره تمتع واجب قربةً الی الله تعالی و ذکر بعد از این
چنانچه نماید که می اجتناب میکنم در عمره تمتع از صید بری مخصوص و
و دلالت بر آن مخصوص و اشاره بر آن مخصوص و ذبح آن مخصوص
و از خوردن گوشت آن و از خوردن جوجه و تخم آن و نظر در آینه
مخصوص و مقاربت مخصوص و بوسه دادن و نظر شهوت بزن مخصوص

و بدن به بدن زن مالیدن از روی شهوت و عقد نمودن و شاهد بر
عقد شدن و وکیل در عقد نمودن و سورمه سیاه کشیدن و انگشتر
در دست نمودن بجهة زینت و کذب و فحش و افتخار نمودن و کفر
و گفتن لا والله و بلی والله بلکه از مطلق قسم و استعمال عطر نمودن
و بوئیدن و خوردن عطر دار حتی طعام ادویه دار مثل زعفران
و روغن بر بدن مالیدن و اخراج خون از بدن نمودن حتی بتوسط
خارانیدن بدن و موی از بدن جدا نمودن حتی کندن یک موی از بدن
خود یا غیره و ناخن گرفتن و سایه بر سر قرار دادن در حالت مشی
و در سایه راه رفتن و از پوشیدن جامه دوخته و کشتن شپش
و کیک و انداختن آنها از بدن و جامه و پوشیدن سر و لب [illegible]
و گرفتن دماغ حتی در صورت بوی بد بآن و از درختان حرم بعضی سر را
فرو بردن و استمنا یعنی طلب خروج منی نمودن به هر نحو باشد
اگر چه به تخیل صورت زوجه خود باشد و از خضاب بستن
[illegible]

بجهت زینت و دندان کندن و سلاح بستن در حال غیر ضرورت
و زنگ بستن و قطع حشیش حرم و کندن آنها و از زره پوشیدن
و طلا آلات بستن غیر ضرورت بجهة زینت و دندان کندن
و سلاح بستن در حال غیر ضرورت قربة الی الله تعالی یعنی اجتناب.
میکنم از امور مذکوره تماما قربة الی الله تعالی اگر چه بجبرت جمیع امور
~~مذکوره تماما قربة الی الله تعالی الکریم حکم به حرمت جمیع مذکوره~~ در
حال احرام مشکلست لکن رجحان اجتناب قبل از گفتن نیت
بعد از آن اندک تامل نموده نیت تلبیه را باین نحو گوید که تلبیه
میکنم در احرام عمره تمتع قربة الی الله تعالی و بگو لَبَّیْکَ اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ
لَبَّیْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ
لَکَ وَالْمُلْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ و چونکه برزن
سایه قرار دادن حرام نیست و هم چنین زیر سایه راه رفتن و پوشیدن
رخت دوخته لهذا زن میتواند در حال احرام در کجاوه که روپوش
داشته باشد بنشیند بنا بر اقوی نیت [illegible] اجتناب

از اینها ضرور نیست در حق زن و هم چنانی است حرمت ستر
رأس و ستر لیست یا اینی مرد و نیز از خواص مرد است چنانچه نوری
حرامست ستر رأس و بر مرد حرام نیست پس نتیجه جزنیست که حرمت
آنها مختص برجالست ستر رأس و ستر لیست یا و سایه بر سر قرار
دادن و در سایه راه رفتن و پوشیدن مخیط چنانچه بر زن حرام هست
ستر وجه و بر مرد حرام نیست پس زن در غیبت وقت اجتناب از زیور
طلا و آلات نیز از خواص زنست چه حرمت آن نسبت برجال
اختصاص بحالت احرام ندارد استعمال کنیکه از بلاد بعیده
در حج بمکه معظمه زادها الله عزا و شرفا مشرف میشوند آیا بر ایشان
واجبست اتیان بعمره مفرده نمایند یا نه جواب اگرچه توهم
از کلمات جماعة از فقها رضوان الله تعالی علیهم عدم وجوب میشود
نظر بانکه عمره را تقسیم فرموده اند بعمره مفرده و متمتع بها
عمره مفرده فرض اهل مکه است و عمره متمتع بها فرض نائی است
قال في الشرائع تنقسم الى متمتع بها ومفردة فالاولى

ظر

يجب على من ليس من حاضري المسجد الحرام الى
ان قال والمفردة تلزم حاضري المسجد الحرام الى ان
قال لكن ظاهر است كه وجوب بهم باشد والمستند في الوجوب
عموم المستند ففي الصحيح المروي في الكافي عن معاوية
ابن عمار عن ابي عبد الله قال العمرة واجبة على الخلق
بمنزلة الحج على من استطاع لان الله عز وجل يقول
واتموا الحج والعمرة لله وانما نزلت العمرة
بالمدينة قال قلت له فمن تمتع بالعمرة الى الحج ا
يجزي ذلك عنه قال نعم والمراد من قوله من استطاع
الاستطاعة للعمرة وعمومه يشمل ما نحن فيه وغيره
ويدل عليه ولبطا قوله تعالى نعم في جواب قوله
قلت له فمن تمتع بالعمرة الى الحج ايجزي ذلك عنه

اذ الظاهر من هذا السؤال ان السائل اعتقد وجوب
العمرة على النائي ايضا لكن الداعي على السؤال ان العمرة
المتمتع بها هل تكون مجزية عن العمرة المفردة ام لا وقرره
عليه واجاب بما حاصله ان مع الاتيان بالعمرة
المتمتع بها لا يجب الاتيان بالعمرة المفردة التي لم تكون
المتمتع بها مجزية عنها واوضح منه في الدلالة على المرام
الصحيح المروي في الكافي عن الحلبي عن ابي عبد الله ع قال
اذا استمتع الرجل بالعمرة فقد قضى ما عليه من فريضة العمرة
وجه الدلالة هو ان العمرة المتمتع بها انما هي في حق النائي
وقد حكم ع في ذيل الحديث بان الاتيان بالعمرة
المتمتع بها مسقط لما عليه من العمرة المفردة واللازم منه
وجوب المفردة في حق النائي ايضا فلا تكون مختصة
بحاضري المسجد الحرام ان قلت ان النائب قد اتى

بالعمرة المتمتع بها فلتكن مسقطة عن العمرة المفردة في حقه
ايضا قلنا فعل النائب لكونه نائبا عن المنوب عنه يترتب
الثمرة عليه بالاضافة اليه لا بالنسبة الى النائب
والمفروض انه ممن استطاع الى العمرة فتجب عليه وهو
المراد ويدل عليه ايضا ما رواه في الكافي عن محمد بن
ابي نصر قال سألت ابا الحسن ع عن العمرة الواجبة
هي قال نعم قلت فمن تمتع يجزي عنه قال نعم وجه الدلالة
ظاهر تمام الظهور مضافا الى قوله ع نعم مع ترك التفرقة بين
النائي وغيره واما عبارة الشرايع فان فيهما ما يومي
الى ان وجوب العمرة ثابت في حق النائي ايضا فانها
هكذا تنقسم الى متمتع بها ومفردة في الاولى تجب
على من ليس من حاضري المسجد الحرام ولا تصح الا
في اشهر الحج وتسقط المفردة معها الى آخره فان قوله

وتسقط المفردة منها الى اخره يقتضى ان المفردة فى واجب
فى حق النائى ايضا الا انها تسقط بفعل العمرة المتمتع
بها فعلى هكذا يكون المراد من قوله وتلزم المفردة
الى اخره ان المفردة لازمة على حاضرى المسجد الحرام
ايضا بخلاف التمتع بها فانها لا تجب الا على من ليس
من حاضرى المسجد الحرام والعبارة لا تخلو عن مسامحة
والاولى عبارته فى النافع فانها دالة على وجوب
العمرة على كل مكلف قال المقصد الثانى فى العمرة وهى واجبة
فى العمر مرة على كل مكلف بالشرائط المعتبرة فى الحج

سؤال هرگاه که نائب بعد از فراغ از اعمال عمره تمتع وحج
بلا فصل متوجه اند اتیان بعمره مفرده نماید یا نه بلکه لازمست تاخیر نماید
تا اینکه بعد از فراغ از عمره تمتع ده روز منقضی شود و بعد از انقضاء
عشره ایام شروع نماید بعمره مفرده افراد جواب ظاهر اینست
الخ خلافست مابین فقها چنانچه بقول بعضی تجویز نموده اند توالی

عمرتین

عمرتین و بعضی شرط کرده اند فصل عشره ایام میان دو
عمره و بعضی معتبر دانسته اند فصل یکماه و بعضی معتبر دانسته اند
فصل یکسال و بخلاف ظاهر اینست در عمره مفرده است بلغ
ز مطلق عمره لانه الظاهر من كلمات الاصحاب
والنصوص الواردة فى الباب بل بعض العبارات
كالصريح فى ذلك قال فى الشرائع ويستحب المفردة
فى كل شهر واقله عشرة ايام ويكره ان ياتى بعمرتين
بينهما اقل من عشرة وقيل يحرم والاول اشهر
روى فى الكافى عن على بن ابى حمزة قال سئلت
ابا الحسن عن رجل يدخل مكة فى السنة المرة والمرتين
او الاربعة كيف يصنع قال اذا دخل فليدخل ملبيا
واذا خرج فليخرج محلا قال ولكل شهر عمرة فقلت

یکون افضل قال لکل شهر عمرة بنا بر این هرگاه
فرض شخصی که فراغ از عمره تمتع در روز عرفه متحقق شود در
روز سیزدهم میتواند اتیان بعمره مفرده نماید بلکه تا آخر
شهر بنا بر جماعت مشهور به قال فی الشرایع وجب
سؤال العمرة فی العمر مرة سؤال طواف نساء معتبر در عمره است
ج یا نه جواب اما در عمره تمتع واجب نیست معتبر نیست بنا بر مشهور
و معروف بین الاصحاب بلکه قایل بخلاف این نیز شاید نیست
چنانچه مرحوم علامه اعتراف باین فرموده رحمه الله و لکن جمعی معتبر از ائمه
اطهار علیهم السلام ناطق بر این است لکن ترجیح کرده اند و در روایت از بعض
از اصحاب نقل فرموده رحمه الله که قایل شده است باینکه طواف
نساء در عمره تمتع واجب است و این قول با جمهور [illegible] قایل
شده و ضعیف است اما عمره مفرده پس طواف نساء در آن لازم است و دلیل
علیه [illegible] الصحیح [illegible] کتب الی ابی الحسن [illegible]

موسی الرازی

موسی الرازی الی ابی الحسن علیه السلام یسأله عن العمرة المبتولة
هل علی صاحبها طواف النساء والعمرة التی یتمتع بها الی
الحج فکتب اما العمرة المبتولة فعلی صاحبها طواف النساء
واما التی یتمتع بها الی الحج فلیس علی صاحبها طواف النساء
بنا بر این اعمال عمره متمتع بها عمره است و احرام و طواف بیت الله
هفت شوط و دو رکعت نماز خلف مقام حضرت ابراهیم و سعی بین الصفا
والمروه هفت مرتبه و تقصیر و عمره مفرده مثل عمره متمتع بها است
باضافه طواف نساء و دو رکعت نماز طواف نساء سؤال کسی
در منی در روز نحر رمی جمره نمود اول ذبح نمود بعد از آن رمی جمره نمود حج
او چه صورت دارد جواب لازم این بود که اول رمی جمره عقبه نماید
بعد از آن ذبح نماید بعد از هر دو حلق راس نماید در صورتیکه باین ترتیب
عمل ننموده مثل اینکه اول ذبح نماید اگر سهواً یا جهلاً بوده باشد
باکی نیست و اگر عمداً بوده [illegible]

به اشکال و آثم و مستحق عقاب است لکن ظاهر اصحاب
صحت حج و عدم وجوب اعاده است اگرچه بالقصد و قصد باشند
قال فی النفلیة و ترتیب هذه المناسک واجب
یوم النحر الرمی ثم الذبح ثم الحلق فلو قدم بعضها علی بعض
اثم و لا اعادة و یدل علیه مضافا الی دعوی الاجماع علیه
صحیحة جمیل بن دراج عن ابی عبد الله انه قال ان رسول الله
اتاه اناس یوم النحر فقال بعضهم یا رسول الله حلقت قبل
ان اذبح و قال بعضهم حلقت قبل ان ارمی فلم یترکوا شیئا
کان ینبغی لهم ان یقدموه الا اخروه و لا شیئا کان ینبغی
لهم ان یؤخروه الا قدموه فقال لا حرج اگرچه در دلالت این
بر عدم وجوب اعاده اشکالی میتوان نمود لکن نظر بعدم ظهور خلاف
در مسئله با دعوی اجماع اعتنائی باین اشکال نیست سؤال هرگاه
کسی ذبح نموده در منی به محض فراغ جایز است حلق راسی نماید
[illegible]

جواز حلق

یا جواز حلق موقوفست برانکه قسمت نماید گوشت را یا خیر
جواب ظاهر انست که بمحض فراغ از ذبح حلق میتواند نمود و بعض
آیه شریفه و لا تحلقوا رؤسکم حتی یبلغ الهدی محله
این نیست که لازم باشد تاخیر حلق تا انکه گوشت آن باهلش
برسد بلکه ظاهر انست که مراد این باشد که تاخیر حلق نمود تا رسیدن
هدی بمنا و ذبح آن روی عمر بن یزید عن ابی عبد الله
اذا ذبحت اضحیتک فاحلق راسک بلکه مستفاد از بعضی
اخبار این است که همان خریدن اضحیه کفایت میکند در جواز حلق اگر
چه ظاهرا معمول به نیست روی فی الکافی عن علی بن
ابی حمزه عن ابی الحسن قال اذا اشتریت اضحیتک
و وزنت ثمنها و صارت فی رحلک فقد بلغ
الهدی محله فان احببت ان تحلق فاحلق سؤال

هرگاه ترک حلق یا ترک تقصیر نماید و طواف نماید آیا اعاده
طواف لازم است بعد از حلق یا تقصیر یا نه جواب ترک حلق
سهواً می‌باشد یا جهلاً یا عمداً اگر عمداً بوده باشد باین معنی که با علم
بلزوم تأخیر طواف حج از تقصیر یا حلق اتیان بطواف نماید قبل
از تقصیر در این صورت لازم است یکگوسفند قربانی نماید للصحیح
المروی عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر فی رجل
زار البیت قبل ان یحلق فقال ان کان زار البیت
قبل ان یحلق وهو عالم ان ذلک لاینبغی فان علیه
دم شاة واما اعادهٔ طواف بعد از حلق یا تقصیر ظواهر کلمات
بسیاری از فقها اگرچه عدم لزوم است لاکن شهید ثانی در مسالک
دعوی اجماع نموده بر وجوب اعاده و هو المدلول علیه بالصحیح
المروی عن علی بن یقطین قال سئلت ابا الحسن عن
المرأة رمت و ذبحت و لم تقصر حتی زارت
تقصر

البیت

البیت فطافت وسعت من اللیل ما حالها وما حال
الرجل اذا فعل ذلک قال لا باس به یقصر ویطوف
و اطلاقه یشمل ما نحن فیه وغیره سیما بعد ترک
الاستفصال و اگر سهواً بوده باشد کفاره لازم نیست لکن اعاده
طواف بعد از حلق یا تقصیر لازم است و همچنین است در صورت
جهل کفاره واجب نیست لاکن اعاده طواف لازم است نظر
باصالة عدم امتثال مضافاً الی الاطلاق صحیحة علی بن
یقطین السالفة سؤال هرگاه کسی بعد از فراغ از حلق یا تقصیر
در منی جمره عقبه عود نمود بمکه بجهة طواف حج و سعی و طواف نساء
وچونکه عود بمنی نمود دو ساعت یا سه ساعت از شب یازدهم
گذشته بود آیا کفاره بر چنین شخص لازم است یا نه جواب
ظاهر اینست که کفاره در چنین صورت لازم نبوده باشد

نظر بانکه آنچه از اخبار وکلمات اخیار مستفاد میشود آنستکه هر گاه
کسی بیتوته در غیر منی نماید لازم است یک گوسفند قربانی نماید
کما فی صحیحة علی ابن جعفر عن اخیه عن رجل بات
بمکة فی لیالی منی حتی اصبح قال ان کان اتاها
فبات فیها حتی اصبح فعلیه دم یهریقه وقد علق
وجوب الدم علی البیتوتة بمکة حتی اصبح ومقتضاه
انتفاء الدم عند انتفاء البیتوتة الی الصبح فلا یلزم
فیما اذا بات بمکة بعض منی فی بعض اللیل بل کلام در
ثبوت اثم وعدم آنست واما کفاره ظاهر اینست که واجب
نخواهد بود تفصیل مقام آنست که اگر تا چیز عود نماید تا النصف دور ساعت
از شب گذشته بجهت اشتغال بطواف وسعی بوده باشد ظاهر اینست
که آثم نخواهد بود کما هو المستفاد من صحیحة صفوان
عن ابی الحسن انه قال سالنی بعضهم عن رجل

بات

بات لیلة من لیالی منی بمکة فقلت لا ادری فقلت
جعلت فداك ما تقول فیها فقال ع علیه دم اذا بات
فقلت ان کان انما حبسه شانه الذی کان فیه من
طوافه وسعیه لم یکن لنوم ولا لذة اعلیه مثل ما علی
هذا قال لیس هذا بمنزلة هذا وما احب ان ینشق
له الفجر الا وهو بمنی وصحیحة معاویة بن عمار انه سال
ابا عبد الله علیه السلام عن رجل زار البیت فلم یزل فی
طوافه ودعائه والسعی والدعا حتی طلع الفجر قال لیس
علیه شیء کان فی طاعة الله عز وجل وقوله ع کان فی
طاعة الله تعلیل للحکم فیقتضی ثبوت الحکم فی الاشتغال
بکل طاعة فاذا انتفی الاثم عن البیتوتة فی کل
لیل فی غیر منی عند الاشتغال بالعبادة ففی بعض
اللیل بطریق الاولی واگر تا اخر تا الوقت باید نخواهد باشد.

بلکه لا اقل قوی باشد ظاهر اینست که آنچه اقوی است به اکثر کفاره واجب نباشد

سیّما بنبوته که در شب یازدهم و دوازدهم در منی واجبست آیا در مجموع

لیل است یا بعض آن چون که واجبست بنیوته از اوّل لیل است تا نصف

شب بعد از تجاوز از نصف شب نقل بجای دیگر میتوان نمود کما هو

المدلول علیه بصحیحة معویة بن عمّار عن ابی عبد الله

انه قال وان خرجت بعد نصف اللیل فلا یضرک ان

تصبح فی غیرها سؤال شخصی در حال احرام بعضی از امور محرّمه بر محرم را

مرتکب شده مثل اینکه لبس مخیط یا ستر راس نمود باین سبب کفّاره بر شخص

لازم شده کفاره که مبتلا است بدهد آیا در مکه لازمست یا نه جواب الحج

فقها ذکر فرموده اند آنست که اگر ارتکاب اینها در احرام عمره بوده باشد لازمست

قربانی را در مکه بعمل آورد و اگر در احرام حج بوده باشد لازم است اینکه قربانی را

در منی بعمل آورد و قال فی الشرایع کل ما یلزم المحرم من فداء یذبح

او ینحره بمکة ان کان معتمرا و بمنی ان کان حاجا قال

المدارک ۱۴

فی المدارک بعد ذکر هذه العبارة هذا مذهب الاصحاب

لا اعلم فیه مخالفا قال فی القواعد و مکان الکفارة

جمع منی ان کان حاجا والا فمکة وفی الصحیح المروی فی

الکافی عن عبد الله بن سنان قال ابو عبد الله من وجب

علیه فداء صید اصابه وهو محرم فان کان حاجا نحر

هدیه الذی یجب علیه بمنی وان کان معتمرا نحره

بمکة قبالة الکعبة سؤال کسی مستطیع بحج شده و فوت شده آیا

لازمست حج آن شخص از بلد کرده شود یا اکتفا بحج میقاتی میتوان نمود جواب

ظاهر اینست که اکتفا بحج میقاتی میتوان نمود لکن اولی حج بلدیست لکن حج میقاتی

را از اصل ترکه آن شخص اخراج نمایند و علاوه را از ثلث اگر مقدور باشد

[illegible] ورثه که کل از اصل موضوع شود سؤال شخص مستطیع

[illegible] عازم حج شده همراه آن بلد بعضی حج نمی روند آیا بر آن

شخص لازم است که بمصاحبت آنها بیرون رود یا تاخیر نماید تا قافله

دیگر جایز است یا نه جواب اگر مظنه این دارد که با تأخیر متمکن از رفتن خواهد بود
تأخیر جایز است والا تأخیر جایز نیست سؤال شخصی عازم مکه معظمه
شده بعد از بلوغ بمیقات فوت شده حکم این شخص در این صورت چه چیز است
جواب هرگاه فوت این شخص بعد از احرام و دخول حرم محترم بوده باشد
بنابر آنکه گذشت که جمیع افعال حج از او بعمل آمده باشد پس قضای حج
در چنین صورت لازم نیست خواه حج از خود بوده باشد یا از غیر و اما هرگاه فوت
قبل از احرام بوده باشد قضا لازم است و هم چنین است هرگاه بعد از احرام
و قبل از دخول در حرم بوده باشد بنابر اظهر و حق سؤال شخصی حج بر او واجب
بود و تأخیر ورا در حج نموده در این اوقات مبتلا بمرضی شده که با آن
مرض مسافرت بسمت مکه معظمه در حق او ممکن نیست در این صورت چه کار کند
جواب در صورتیکه متمکن از رفتن بمکه حالا نبوده باشد و احتمال تمکن
بعد از این هم قائم نبوده باشد لازم است نایب تعیین نموده که بنیابت
او حج نماید و اما در صورت احتمال تمکن از حج بنفسه فیما بعد

حکم بوجوب

حکم بوجوب استنابه ممکن نیست سؤال در صورتیست که عجز از قوت
مسبوق بحج باشد بوجوب حج و ذمه این شخص چنانچه مفروض در سؤال است
و اما هرگاه چنین نبوده باشد بلکه تمکن از زاد و راحله مسبوق بعذر بوده باشد
یا در سنه واحده بوده باشد و مأیوس از زوال عذر نباشد الا استقبال بوده باشد
در این صورت وجوب استنابه محل خلاف است احتیاط مقتضی
استنابه است اگرچه حکم بوجوب مشکل است سؤال در طواف آیا واجب
است ابتداء از اول جزء حجر الاسود نماید یا نه جواب اگرچه بعضی از علما حکم
بوجوب ابتداء در طواف از اول جزء حجر الاسود فرموده اند لکن این مطلب
با عنوان حقیقی لازم نیست بلکه القدر که لازم است آن است که ابتداء نمائید
در طواف از حجر الاسود با موضعیکه ابتدا نموده ختم با آن موضع نماید و اما
اینکه لازم بوده باشد که ابتداء طواف از اول جزء از حجر الاسود بوده باشد
چنین نیست بلکه رعایت آن نهایت تعسر دارد خصوصاً با ازدحام
و کثرت خصوصاً در این اوان که اول جزء اول حجر الاسود ظاهر نیست

شستوان در طواف لازم است که در جمیع اجزای شوط مسافت ما بین
این شخص مطیف وبیت در جمیع جوانب مساوی بوده باشد یا نه
جواب رعایه لازم است این است که طواف در اثنا او مکه ما بین
مقام حضرت ابراهیم و ما بین بیت است واقع نخواهد تا
مساوات مسافت در جمیع اجزای طواف لازم نیست بلکه کمال
نفس وارد خصوصا با ... عام شستوان که در اوایل ...
الحرام از اعمال عمره متمتع بها فارغ شده و محل شده آیا جایز است
قبل از آنکه محرم شود بحج تمتع سر بتراشد یا نه جواب بمقتضای آیه کریمه
واتموا الحج والعمرة لله فان احصرتم فما استیسر من الهدی
ولا تحلقوا رؤسکم حتی یبلغ الهدی محله منع از حلق راس است
قبل از قربانی نمودن در منی بنا بر این بعد از فراغ از اعمال عمره جایز
نیست حلق راس نماید اگرچه قبل از احرام به حج تمتع بوده باشد اگرچه
فصل ما بین فراغ از عمره و احرام به حج علاوه بر شش ماه بوده باشد لکن اگر کسی

ازاله حایل

ازاله حایل بجمله حلق نماید کفاره لازم نیست سؤال حکم شک در طواف
بیان نمایید جواب شک در طواف یا در نفس طواف است یا بمعنی
که شک میکند طواف کرده است یا نه یا در عدد اشواط آنست پس
شک در طواف منقسم میشود بدو قسم اول آنکه شک مطلق
نفس طواف بمعنی که مذکور شد میکوئیم این خالی از این نیست
قبل از اتیان بسعی است یا بعد اگر قبل از اتیان بسعی است حکم باشد
اتیان بطواف لازم است و اگر بعد از اتیان بسعی است اعتنائی بآن
شک نیست بنا بر وقوع مشکوک چنانچه میکذارد بلکه دور نیست که
حکم چنین خواهد بود اگرچه بعد از اتیان برکعتی طواف خواهد باشد
دویم شک در عدد اشواط طواف است چونکه طواف هفت شوط است
میکوئیم این نیز منقسم بدو قسم میشود اول آنکه آن شک
عارض میشود بعد از انصراف و فراغ از طواف دویم آنکه

شک در اثنای طواف است حکم در قسم اول آنست که اعتنائی و التفاتی
با آن شک نیست پس طواف محکوم بصحت و تمام است خواه طواف
واجب بوده باشد یا سنت ظاهر اینست انصراف از طواف متحقق بشود
باعتقاد مکلف باین نحو که مکلف عالم بوده باینکه طواف هفت شوط است
و مشغول الطواف شده و اعتقاد او این شده که اتیان به هفت شوط
نموده قطع طواف نموده بعد از آن شک مر جهة او طاری شده
که این طواف شش شوط بوده یا هفت شوط یا هفت بوده یا هشت
در اینصورت التفاتی باین شک نمیکند اگرچه قبل از شروع
بنماز طواف بوده باشد بلکه در محل طواف که عبارت از ما بین
مقام و خانه کعبه است بوده باشد دوم آنست که این شک عارض
شده در حال اشتغال بطواف پس میگوئیم این طواف یا واجبست
یا سنت در صورتیکه طواف مستحب بوده باشد بنابر اقل میگذارد
خواه شک متعلق بنقصان بوده باشد مثل اینکه شک میکند که این

شوط

شوط شش است یا هفت یا پنج است یا شش چهار است یا پنج
و هکذا یا شک متعلق بزیادتی بوده باشد مثل اینکه شک میکند
که شوط هفتم است یا هشتم مجملا در هر دو صورت بنابر اقل میگذارد
پس در صورت اولی تمام مینماید و در صورت ثانیه قطع در هر دو
صورت طواف محکوم بصحت است و اما هرگاه طواف واجب بوده
پس مسئله در اینصورت منقسم بچند قسم میشود نظر باینکه این شک
یا متعلق بزیادتی است یا بنقصان در صورتیکه متعلق بزیادتی
بوده بعد از وصول و بلوغ برکنی است یا قبل اول آنست که شک متعلق
بزیادتی است بعد از بلوغ برکن یعنی بعد از آنکه بحد آن
رکنیکه حجر الاسود در آن منصوب است رسیده بلا فصل شک بکند
که این شوط شوط هفتم بوده یا هشتم بوده پس یک شوط زیاده بوده
در اینصورت ظاهر اینست که اعتنائی و التفاتی بآن

شک نیست پس طواف محکوم بصحت خواهد بود دوم آنست
که شک متعلق بزیاده است لکن قبل از بلوغ بمجاوزات رکنی
مذکور باشد بنحوی که بمجاوزات مستجار مثلا که رسید
شک میکند که این شوط هفتم است یا هشتم سیم آنست
که شک او متعلق بنقصان است مثل اینکه شک میکند
شوط ششم است یا هفتم پنجم است یا ششم و هکذا
این دو قسم محل خلاف ما بین فقهاست
و مختار در مسئله آنست که طواف
باطل و استیناف آن
لازم است

